

<p><b>ادبیات:</b></p> <p>● دکتر مصدق در سازمان ملل، انگلستان را عامل همه بدبختی‌ها اعلام کرد(۱۳۳۰ش)</p> <p>● تصرف سرزمین تاریخی بابل توسط کوروش هخامنشی(۵۳۹ سال قبل از میلاد)</p> <p>● کشف کلر توسط کاردینال و پلهلم شیل، دانشمند سوئدی(۱۷۷۴م)</p>	<p>● روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p> <p><b>تحف العقول</b></p> <p>امام صادق(ع) : خداوند نعمت‌هایی به مردمی داد و شکرش نکردند و آن نعمت‌ها وبال آنها شد و مردمی را به مصیبت‌ها گرفتار کرد و صبر کردند و بلاها برای آنها نعمت شد.</p> <hr/> <p><b>واحه:</b></p> <p>هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگریست</p> <p><b>سعدی</b></p>	<p><b>حدیث روز:</b></p> <p>● شایه: ۱۵۸۱۲۳۵-۳۶۳۷۷</p> <p>● پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir</p> <p>● پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir</p> <p>سه شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۹   ۲۵ صفر ۱۴۴۲   ۱۰ صفحه   سال بیست و یکم - شماره ۵۷۷۹   استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان   Tuesday - October 13, 2020</p>
<p><b>حکمت ۸۵:</b></p> <p>● کسی که از گفتن «نمی‌دانم» روی گردان است به هلاکت و نابودی می‌رسد.</p>		<p><b>اوقات شرعی:</b></p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۵۰ غروب آفتاب: ۱۷/۳۱</p> <p>اذان مغرب: ۱۷/۴۹ نیمه شب شرعی: ۲۳/۰۹</p> <p>اذان صبح (فردا): ۴/۴۲ طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۰</p>
<p><b>تهج البلاغه</b></p>	<p><b>پیش بینی آب و هوا دوشنبه</b></p> <p>تهران ۲۲ / ۱۱ اصفهان ۲۳ / -۱ ارومیه ۲۳ / ۶ بندرعباس ۳۶ / ۱۹ یجنورد ۲۲ / ۴ رشت ۲۵ / ۱۲ زاهدان ۲۱ / ۲ یزد ۲۳ / ۸</p>	

مقطع  
حساس کنونی

حکیم به دبیر  
و دانش آموزان چه گفت؟

دروزرگاران قدیم  
شخصی که دبیر  
درس طبیعیات یکی  
از مدارس علوم  
قدیمه بود،  
تصمیم گرفت  
دانش آموزانش را

امید مهدی نژاد

فطنز نویس




بررسی و مشاهدات مسائل طبیعت به خارج از شهر برد. وی پس از طرح موضوع با معیاران مدرسه و اعلام آن به دانش‌آموزان و تحویل گرفتن رضایت‌نامه‌های کتبی والدین دانش‌آموزان یک‌روز صبح دانش‌آموزان را با مینی‌بوس به نواحی استپ خارج از شهر برد.

وی در آنجا به توضیح عوارض طبیعی و پستی و بلندی‌های زمین و پوشش‌های گیاهی پرداخت و دانش‌آموزان را با مصادیق بیرونی درس‌های کلاس آشنا کرد.

در این هنگام به درخت بسیار بلندی رسیدند که برگ‌های ریز و انبوهی داشت. وی رو به بچه‌ها کرد و گفت: بچه‌ها، درختی که می‌بینید یک درخت نارون است و این‌طور که از ظاهر آن برمی‌آید سال‌ها سن دارد. وی سپس آهی کشید و گفت: تصور کنید چه چنده‌ها برای این درخت نارون گذرانده و چنده‌ها عمل آورده‌اند. وی اشخاصی زیر این درخت نشسته و از سایه آن بهره‌مند شده‌اند. تصور کنید این درخت چه روزها و شب‌ها و زمستان‌ها و بهارهایی را دیده است. وی سپس آن دیگری کشید و گفت: اگر این درخت نارون زان داشت و قادر بود صحبت کند چه حکایت‌هایی برای تعریف کردن برای ما داشت. در این هنگام حکیمی که از آن نواحی می‌گذشت زیر لب گفت: بی‌شعور، دبیر طبیعت گفت: با بنده بودید؟ حکیم گفت: مگر در این نواحی فقط تو یک نفر بی شعور هستی؟ دبیر طبیعت گفت: چرا فرض می‌دهی که حکیم بدون توجه با تو رو به دانش‌آموزان کرد و گفت: اگر این درخت زبان داشت و قادر بود صحبت کند، می‌گفت بچه‌ها من نارون نیستم، بلکه بلوط هستم. در این هنگام دبیر طبیعت که ضایع شده بود دانش‌آموزان را جمع کرد و به مدرسه برد و ادامه درس را به‌طور تئوری به آنها ارائه کرد.

الان به این روزها افتاده است. همان سال ها انجمن خوشنویسی تشکیل شد و من در دانشگاه گرافیک تدریس می کردم و هم عضو شورای عالی انجمن بودم. هر چه تلاش کردم وزارت علوم را مجاب کنم برای کنکور، یک سوال طرح کنند که جوابش نوشتن چند خط با مباد یا خودکار باشد، موفق نشدم. معتقد بودم کسی که می خواهد وارد دانشگاه شود باید اصول نوشتن خط تحریر را بلد باشد. همان طور که معتقد بودم کسی که می خواهد وارد یک اداره شود و به عنوان کارمند به کار مشغول شود باید خط تحریر خوبی داشته باشد اما به این نکته هم توجه نکردند. به انجمن خوشنویسان هم پیشنهاد کردم روی آموزش خط تحریر متمرکز شوند چون بیشتر مراجعه کنندگان به این انجمن معلم و فرهنگی بودند؛ اما باز هم به این توصیه توجه نکردند. توجه به خط تحریر برای مدیران و مسؤولان سودی نداشته که روی آن تمرکز شده و ایرانیان را تشویق یا حتی مجبور به نوشتن با خط خوش کنند.

**🔗 خط نستعلیق کاربرد روزانه ندارد**

به استاد احصایی می‌گویم ورود و ایت‌برد به مدارس هم به نوعی تیشه به ریشه خوش خطی زد؟

می‌گوید: جانا سخن از زبان ما می‌گویی! دقیقاً همین اتفاق افتاد و خوشنویسی دیگر دغدغه هیچ کس نیست. خوشنویسی مثل مذهب، هویت ما ایرانی‌هاست. هیچ وقت خوشنویسی از بین نخواهد رفت، اما به باورم افراط و تفریط ویران‌کننده است. کسانی که تلاش می‌کنند فقط خط نستعلیق را آموزش بدهند و به خط تحریر توجه نمی‌کنند، به بیراهه می‌روند. خط نستعلیق کاربرد روزانه ندارد. دانش‌آموزان، معلمان، کارمندان و... نمی‌توانند از خط نستعلیق برای کار روزانه استفاده کنند. باید به دانش‌آموزان با مباد و خودکار آموزش خط تحریر داد و چون به این موضوع توجه نمی‌شود، نمی‌تواند به آینده خوشنویسی ایران خوش بین نیستم. 📌

هر درس کلمات مهم را به این شیوه  
می‌نوشتیم و دانش آموزان زمانی که  
تکلیف می‌نوشتند، از روی آن تمرین  
می‌کردند. این باعث می‌شد که خط تحریر آنها به  
خط نستعلیق نزدیک و خط‌شان زیبا شود. از کلاس  
چهارم آموزش خط تحریری و نستعلیق ساده را به  
آموزش‌های آنها اضافه کردم. از کلاس ششم هم  
آموزش کامل نستعلیق را به دروس آنها اضافه  
کردم تا کلاس نهم که نستعلیق را به صورت کامل  
یاد می‌گرفتند. هدف این بود که خط به‌جهه خوب  
شود و برای معلمان هم کتاب آموزش خط را تألیف  
کردم تا از طریق آن به دانش‌آموزان خوشنویسی را  
آموزش دهند.

اما این روش آموزش دادم پیدا نکرد و خط تحریر  
ایرانی هاروز به روز بدست امیرتد امیرتد که آنقدر بد  
شده که برای من شرم‌آور است. برای ما ایرانی‌ها خط  
و خوشنویسی جزو زیبایی‌شناسی روزانه بود؛ اما

# معنا در معنا

هر کسی که می‌خواهد تمرین صبر کند، خطایی را یاد  
 نگیرد، در این باره چیست؟

معنای و کاربردی است و بخش دیگرش هویتی  
 بررسی است و خطمان فارسی است. این مهم  
 ش نوشتن در شخصیت آدم‌ها تأثیر می‌گذارد.  
 اما تمرین به خط او اشاره می‌کند نه به سوادش. اما تمرین  
 وجود دارد. اگر یادداشتی که برای یک دوست  
 خوب می‌شود و هم حال طرف مقابل، به همه  
 با سبب داد و تمرینی می‌شود برای اخلاقیات او  
 نر. خوشنویسی با قلم درشت یا نقاشی خط‌ها  
 دی را می‌شناسم که پست‌های مهم مدیریتی  
 معلم خوشنویسی معرفی کنم تا خوشنویسی  
 می‌دهد و باعث می‌شود در معنا تأمل کنند.  
 زین‌ستگی به انجمن خوشنویسان مراجعه  
 نقد بودند با این کار آرامش می‌گیرند. خطایی

**گفت‌وگو با استاد محمد احصایی درباره هنر خوشنویسی**

# تمرین صبر در کنار هنر

بدیع ارانه می‌کنم. نقاشی‌خط‌هایم را می‌خرند هم به خانه می‌برند و هم به موزه چون ترکیب‌های تازه از خط و نقاشی و رنگ در آنها دیده می‌شود. روح و نگاه آدمی به سمت آثار خیال‌انگیز و تازه می‌رود، وجوه بصری اثر هنری وقتی زیاد باشد، مخاطب‌بانش هم زیاد می‌شود و مردم دوست دارند در آثار هنری رازی را خلق کنند و من با نقاشی‌خط‌هایم این راز را به آنها ارائه می‌کنم.

قدیم‌ترها، وقتی که هنوز دنیا خیلی شلوغ نشده بود و نظم و زیبایی در زندگی روزمره‌مان وجود داشت، روی دیوار خانه‌ها تابلوهای خطاطی چشم را به سمت خود می‌برد. خط خوب دلیلی می‌شد تا آنچه نوشته شده را بخوانیم و آموخته‌هایمان بیشتر شود. آن زمان‌ها در دکان‌های کوچک بقالی هم می‌توانستی خط

طاہرہ آشپانی  
روزنامہ نگار

**📖 بی‌مهری به خط تحریر**

به استاد احماسی می‌گویم خط ما  
روز به روز دارد بدتر می‌شود، دلیل این  
بد خطی فناوری‌های تازه است یا دلایل دیگری  
هم دارد؟

می‌گوید: اراده‌ای برای تثبیت خط تحریر وجود  
نداشت و ندارد. این‌که ایرانیان خط تحریر را  
بیاموزند و به آن پایبند باشند. من سال ۱۳۴۴  
سازمان کتاب‌های درسی فعال بودم و کارم مدیریت  
و تألیف و تألیف بخش خط و خوشنویسی کتاب‌های  
درسی بود. مولفان کتاب‌های درسی موظف بودند  
که کتاب‌های کلاس اول را به شیوه‌ای بنویسند  
که خوش خط باشد و دانش‌آموزان دچار مشکل  
خواندن و نوشتن نباشند. من برای این که بچه‌ها با  
خط خوش آشنا شوند و بتوانند آن را بنویسند برای  
کلاس دوم ابتدایی خط تحریر را آموزش می‌دادم؛  
خطی که با مداد و قلم گرد نوشته می‌شود. پایان

**آرامش و تـ**

بگیرید، خوشنویسی هنر آموزش صبر است. نه می‌گوید این سوال دو بخش دارد؛ بخشی از آن است. بخش کاربردی برای همگان است. زبان است که در روزمرگی با دقت و زیبا بنویسیم. این قدیم ترها پدری که می‌خواست پسر فرزندش را بدین صوری هم در بخش کاربردی و هم در بخش هنر می‌نویسید، با خط خوب بنویسد هم حال خود اینها پیوسته با باعث تعالی انسان می‌شود و در صبر هم بخشی از آن است مربوط می‌شود. این خصلت را در آدمیان تقویت می‌کند. آدم‌ها در کشور داشته و دارند اما از من خواسته‌اند به پیامباز چون بر این بایوند که این هنر به آنها برخی از نظامیان معروف را می‌شناسم که بعد می‌کردند تا خط پیامبازند و دلایل این بود که آمیزش روح انسان با زیبایی و معناست.

**تمرین صبر**

قدیم ترها، وقتی که هنوز دنیا خیلی شلوغ نشده بود و نظم و زیبایی در زندگی روزمره مان وجود داشت، روی دیوار خانه ها تابلوهای خطاطی چشم را به سمت خود می برد. خط خوب دلیلی می شد تا آنچه نوشته شده را بخوانیم و آموخته هایمان بیشتر شود. آن زمان ها در دکان های کوچک بقالی هم می توانستی خط خوشی را ببینی که بر کاغذی نوشته شده؛ مصرعی، بیتی یا مثل و حکمتی زیبا. دکان داران آن سال ها هر جا خط خوشی می دیدند آن را به دیوار نصب می کردند. هم خط ظرب داشت و هم کلمه، هرچه جلوتر آیدم، دنیا شتاب گرفت و هنر در این شتاب از ما دور شد یا بهتر بگویم ما از هنر دور شدیم. حالا دیگر خوشنویسی و تابلوهایش، هنری خاص است که برخی به آن علاقه مندند و در برخی خانه ها تابلوهای خوشنویسی را می توان دید. داییمان با فناوری درهم آمیخته و به جای نوشتن تایپ می کنیم، دستان ما قلم همخوان نیست و بدخط شده ایم. روی کاغذ که می نویسیم به جای کلمه خطوط درهمی را رسم می کنیم که نه تنها چشم نواز نیست که زشت هم هست، ما که صاحب پیشینه خوشنویسی هستیم بدخط شده ایم و به گفته استاد محمد احمادی این اتفاق ناگواری است برای ایرانی ها. از دیروز هفته خوشنویسی شروع شده، به همین مناسبت با این استاد خوشنویسی که تابلوخطهای بی نظیری شبانه زنی شده هم صحبت شد تا برامان بگوید چه شد که ما بدخط شدیم!

## هنر باید نشود

محمد احصایی، هنرمند نوگرای است. آنقدر حسارت دارد که هنرش را در یک چارچوب بسته قرار ندهد که فراموش شود یا مخاطبش را دلزده کند. او آنقدر آگاهی و دانش دارد که می‌داند باید هر روز طرح و رنگ تازه‌زد چون مردمان به دنبال ناگاشی هستند. همین رویکرد باعث شده تا تاقی‌ساخت‌های او جهانی شود و هنرش در خارج از مرزها هم مخاطب داشته باشد. او درباره دلیل استقبال جهانی از آثارش می‌گوید: من خط را با نقاشی ترکیب کرده‌ام. خط نستعلیق یکی از بهترین خط‌هاست اما چون زمان زیادی از آن گذشته، مردم هر چند به آن احترام می‌گذارند اما دیگر جاذبه‌ای برای آنها ندارد. هنر برای ماندن باید نو شود و خط‌های تازه برای خود پیدا کنند. سنت زمینه آثارم است اما این سنت را در قالب

**خودنویس**



**روزی روزگاری  
ایران...**

پدرها یک خاصیتی دارند و آن هم این که یک گزاره دانا تکراری دارند و آن هم چیزی نیست غیر از این که اون موقع که من.... و پشت این من یک افتخاری هست که

جناب پدر یک مقداری پیاز داخل را زیاد کرده که ما فرزندان بدان افتخار ورزیم. بارها با پدر حرف زدیم و بارها کار کشید به اون موقع که من... حالا گاهی بعدش سرباز بودم، دانشجو بودم، بچه بودم و نوجوان بودم و بعد خاطره جنباش را تعریف کرده و انگشت حیرت به دهانم زده بود. بعد که مثل یکا از دوست هاش هزار تومن زمین داده و یک گرامافون گرفته و ۲۰ صفحه صوتی از خواننده های مطرح آن روز و الان آن زمین یک پیاز چند طبقه ای است و آن گرامافون را به زور دو میلیون هم نمی خردن. من گوشه ذهنی پوشه ای دارم که تویش از همان شب بارانی که اولین فرزند به دنیا آمد خاطراتی با این نوع را ضبط می کنم که بتوانم فردا روزی برایش مثل باباهای قدیمی از کودکی و جوانی و نوجوانی بگویم، اما به گمان با این وضعی که داریم خیلی فکرم نمی کشد. یعنی ممکن است هم بشود ولی کیف نمی دهد. مثلثاتو فکر کن بگویم آن موقعی که پیاز دود ۱۵ میلیون. شاید دخرتم بگوید اوووو چه ارزون ولی این اوووویش خیلی به من کیف نمی دهد چون زمان خیلی گذشته ای در برینمی گذرد و من را خیلی بای گذشته دارم نشان نمی دهد یا مثلاً بگوئی آن موقعی که سکه بود چنان می پاشی یعنی آن خاطرات نهایتاً مال یک سال ونیم پیش است. باباهای مهم ترین خاصیتشان توی زندگی دودیدن است؛ دودیدن با افتخار و اقتدار برای تأمین آرامش و معاش و زندگی خانواده و بچه ها... گاهی ناصحاب من مانند ازاین که یاد بگیرند فیلترشکن نصب کنند. از این که یاد بگیرند با لپ تاپ کار کنند. پدرها گاهی که من مانند از سرعت قیمت پراید و سکه و دلار. پدرها عادت دارند یک وقت هایی همین جوری که چایی کنار دستشان در حال یخ زدن است، پرزها را فرش را تویلی کنند و به یک گوشه زل بزنند و آه بکشند. توی این چند دقیقه با باباهای کاری نداشته باشید... گاهی یک کلمه یا کاری از دستشان برنمی آید.

